

میثم امانی
<div>عضو هیات‌علمی دانشگاه آزاد اهواز</div>

در باب موضوع «نسبت بلایا با معنای زندگی» نخستین گامی که باید برداشت، تعیین مساله است. تفکیک مسائل اصلی و فرعی جهت رسیدن به نتیجه مشخص‌تر. براساس سنت فلسفه تحلیلی از معناشناسی و ابضاح معنایی مفاهیم آغاز خواهیم کرد. کلمه «معنا» در عبارت معنای زندگی به دو معنی به کار رفته است.

- معنا به‌مثابه هدف**

گاهی گفته می‌شود معنای زندگی و منظور این است که هدف زندگی چیست؟ یا این حساب نخستین مساله اصلی این است که تاثیر بلایا بر هدف زندگی چیست؟

هدف به دو گونه تصور شده است: هدف خودبنیاد و هدف خارجی. هدف خودبنیاد،ذهنی است و در تصور انسان جای داردو هدف خارجی، مستقل از انسان و عینی است.

بنابراین دو مساله فرعی خواهیم داشت:

الف- تاثیر بلایا بر هدف خودبنیاد چیست؟
بعبارت دیگر، وقتی انسان هدفی را برای زندگی خود برمی‌گزیند،انتظار تحقق شرایط ونمود مواع دارد ولی بلایا باعث می‌شود انسان در رسیدن به هدف خود دچار مانع شود. در این صورت چگونه باید با بلایا برخورد کرد؟
نگیزشی و روشنی داشت؟
ب- تاثیر بلایا بر هدف خارجی چیست؟
اینجا چون هدف به عنوان مالمایه‌الحکمه وجود دارد و از پیش تعیین شده است، سوال می‌شود که بلایا چگونه می‌تواند ما را به هدف خارجی برساند و در فرآیند رسیدن به هدف نقش بسزاستر ایفا کند؟

- معنا به‌مثابه ارزش**

گاهی دیگر منظور از معنای زندگی، ارزش زندگی است. یعنی آیا زندگی سرمجموع ارزش زیستن دارد یا نه؟ آیا می‌آرد انسان برای زیستن با همه واقعیت‌هایش هزینه بدهد یا نه؟

در پاسخ، فلاسفه دو دسته شده‌اند: دسته‌ای که با ارزش‌انگارانند و زندگی را ارزشمند می‌دانند و دسته‌ای بی ارزش‌انگارانند و زندگی را بی ارزش می‌دانند.

چکیده استدلال همه بی ارزش‌انگاران این است که من حیث‌المجموع بدی‌های زندگی بیشتر از خوبی‌های آن است لذا زندگی به زیستن نمی‌آرد.

کسانی بدی را هر قدر اودسرت‌وحیات‌می‌دانند همچون بوداییان وشنوایان و کسانی وجود بدی را هرچه باشد برای زندگی مفید نمی‌شمارند.

در این صورت مسأله اصلی این است که آیا بلایا باعث بی ارزشی زندگی می‌شود یا نه؟ آیا وجود بلایا با ارزشمندانستن زندگی منافات دارد یا نه؟ بحث هدف زندگی بیشتر در جهان سنت، در نظام‌های مابعدالطبیعی و ادیان مطرح شده ولی بحث ارزش زندگی در عصر مدرن بعد از قول به جستمند نبودن طبیعت و انسان، پیش کشیده شده است. نکته مهم این است که هدف زندگی بیشتر دغدغه دینداران است ومخاطب زندگی این بحث بیشتر دینداران هستند ولی ارزش زندگی باعموما هدفمندی در این رانگی رانفی می‌کند یا مفروغ‌عنه می‌گردد لذا مخاطبان آن لزوما دینداران نیستند و طیف غیردیندار را نیز در برمی‌گیرد.

به‌صورت فهرست‌وار، مسائلی که دنبال خواهیم کرد از این قرار است.

مسأله اصلی:

۱/ تاثیر بلایا بر هدف زندگی چیست؟

۲/ آیا بلایا باعث بی ارزشی زندگی می‌شود یا نه؟

مسأله فرعی:

۱-۱/ تاثیر بلایا بر هدف خودبنیاد چیست؟

۲-۱/ تاثیر بلایا بر هدف خارجی چیست؟

بحث ۱

تاثیر بلایا بر هدف خودبنیاد چیست؟

اهمیت بحث یک اینجاست که تصور می‌شود ما وقتی هدفی برای زندگی خود برمی‌گزینیم، نظام ذهنی مان این است که شرایط رسیدن به هدف در نظام هستی و نیز نظام اجتماعی فراهم باشد وموانع نیز وجود نداشته باشند. در این صورت هرچه ما را به هدف خود برساند، خیر و هرچه نرساند و مانع بشود، شر خواهد بود و از آن جمله بلایا هستند.

به‌نظر می‌رسد در این مورد، راهبرد دینی که از متون دینی استنباط می‌شود، تغییر نگرش است. به‌عبارت دیگر، باید نحوه نگرش انسان نسبت به هدف و نیز سازوکار فعالیت در عالم ماده به‌نحو درستی سامان ییابد. همچنین برمی‌آید که عمده آسیب انسان‌ها در این زمینه از ناحیه نگرش‌های غلط است. نگرش‌های غلط باعث آسیب‌های روانی و نیز رفتارهای غلط خواهد شد.

نکاتی که از متون دینی در باب تاثیر بلایا بر هدف زندگی برمی‌آید به این توضیح است:

یک/هدف خودبنیاد، به‌خودی‌خود ارزشمند نیست. هدفی است انسان هدف خودبنیاد داشته باشد ولی در محقق مصداق هدف به خطا یبفتد. اینکه بعضی انسان‌ها در هدف خودبنیاد دچار خطای می‌شوند وبلایا مانع می‌بینند از این رو است که هدف آنها واجد شرایط لازم یک هدف مطلوب نیست. هدف مطلوب باید این‌گونه باشد: عقلانی باشد و عقل آدمی آن را اتخاذ کرده باشد؛ بشود آن را عاشقانه دنبال کرده همه‌بمدی باشد و ابعاد

دانشگاه

نگاهی به فرامتن کرونا

بلایا ونسبت آن با معنای زندگی

و گاهی نیز مفهوم حکمت در باب وجود خداوند استعمال می‌شود و مراد این است که فعل خداوند دارای غایت است. فعل حکیمانه الهی مقابل ندادرد چون همه افعال خداوند دارای غایت است.

بحث این است که عقل انسان، غایت‌مندی افعال خداوند را بااجمال درک می‌کند ولی بالتفصیل، ممکن است درک نکند و نیاز به منابع معرفتی دیگر دارد. به‌عبارت دیگر ما حکمت اجمالی را درک می‌کنیم ولی حکمت تفصیلی را ممکن است قفل تا جایی درک کند ولی به قطع یقین بر همه افعال خداوند احاطه ندارد. در متون دینی راهکارهایی تعبیه شده است که می‌تواند به‌عنوان منابع معرفتی رسیدن به بعضی حکمت‌های افعال خداوند باشد. دقت شود که احاطه بر حکمت حقیقی افعال خداوند برای بشر بالکل میسر نیست؛ و نیز عقل بشری بااجمال حکمت را درک می‌کند ولی به‌جزعقل، روش‌هایی دیگر وجوددارد که می‌توان به‌وسیله آنها حکمت بعضی افعال را ادراک کرد. و اشاره خواهد شد:

۱/ وحی

آنچه از طریق وحی اجمالی و تفصیلی (قرآن وعترت) به ما رسیده، حکمت بعضی امور را نشان می‌دهد مثلا بیماری ممکن است به علت گزاره گناهان فرد باشد.

۲/ تقوا

براساس آیه ۲۹ سوره انفال، تقوا باعث فرقان بین حق و باطل خواهد شد و چون حکمت، جزء معرفت‌های حق است نه باطل، پس تقوا باعث کسب حکمت خواهد شد. همچنین براساس آیه ۳ سوره طلاق، تقوا باعث مخرج خواهد شد و چون حکمت یابی شرط وقوع مخرج است پس تقوا باعث حکمت خواهد شد.

۳/ عبادت

براساس آیه ۹۹ سوره حجر، عبادت سبب یقین است. بی‌شک حکمت‌یابی به‌معنی یافتن علت حقیقی امور است و سبب یقین خواهد شد پس عبادت سبب حکمت است. کم نداشته‌ایم در بین حکما و دانشمندان که بعضی نظرات خود را از قبل عبادت به‌دست آورده‌اند مثل این سینا یا ملاصدرا.

۴/ تجربه

تجربه به‌معنی واقع شدگی در یک کار و قرار گرفتن در متن و بطن یک کار می‌تواند حکمت‌زا باشد. در روایت هست که مشورت بهترین پشتوانه است. کسی که عملا مشورت می‌کند و مزه آن را می‌چشد متوجه پشتوانه بودن مشورت خواهد شد.

۵/ شهود

براساس آیه ۵ و ۶ سوره تکاثر، داشتن علم یقین باعث رویت حجیم خواهد شد. اهل شهود، حکمت بعضی امور را با کشف و شهود باطنی خود درک می‌کنند مثل خوردن مال یتیم که تعبیر به خوردن آتش شده است.

۶/ علم

علوم جدید به‌سهم خود پرده از بعضی حکمت‌ها برداشته‌اند. چنانچه گفته‌اند کارکرد وجود مگس، تصفیه هواس است.

نتیجه‌ای که از این مبحث حاصل می‌شود این است که انسان یک/هدف خارجی خود را بولوا بااجمال درک می‌کند و این تشخیص اجمالی به‌توسط عقل است. در متون دینی تشخیص تفصیلی را از راه‌های شش‌گانه فوق‌الذکر نیز می‌توان کسب کرد.

دو/بلایا چه بالذات ناشی از فعل خداوند باشد و چه بالعرض، دارای حکمتند و رابطه‌ای با هدف خارجی دارند و لذا حکمت بلایا نیز از باب تسری حکم کلی به جزئی، از راه‌های شش‌گانه فوق‌الذکر در کنار عقل قابل درک است.

راهبردها

۱/ در مباحث مربوط به هدف خارجی و نیز حکمت، در پاسخ به شبهات در باب حکمت الهی، گفته می‌شود که افعال الهی همه دارای حکمتند ولو ما انسان‌ها درک نکنیم. به‌نظر می‌رسد این نوع پاسخ‌گویی اگرچه نادرست نیست ولی کافی نیست. راهبرد کافی این است که در مقام پاسخگویی، قاعده کلی همه افعال خداوند معینی به‌غایتند، به‌صورت عقلی اثبات شود اما باید فرد را جهت تشخیص تفصیلی به روش‌های شش‌گانه مذکور آراجم داد. نزول یک بلا و یک واحد بر او در حکمت متفاوت است و دو حکمت متفاوت داشته باشد که بستگی به سابقه و لاحقه فرد دارد، لذا هر فردی باید خودش از طرق شش‌گانه یابی به‌راه بنهد و علاوه‌بر مسیر شود تا حکمت نزول بلایا را دریابد. مثلا ممکن است کسی با عبادت یا تقوا یا شهود دریابد که بلائی خاص نازل شده بر او چه حکمتی دارد. اینجا دیگر نتنها اعتراض نخواهد کرد بلکه نسبت بلا با هدف خارجی زندگی خود را درک خواهد کرد و در همان جهت پیش خواهد رفت.

۲/ تشبه به حق و تخلق به اخلاق الله که در لسان الهی حکمت و عرفان بیان شده‌است یک راهبرد اساسی است. خداوند حکیم است و هرچه افعال انسان، از فعل عبث‌به‌فعل حکیمانه گسترش یابد، تشبه‌بیشتری به‌خداوند پیدا خواهد کرد و خود متوجه علل بلایا خواهد شد. نهادینه کردن عقل در انسان‌ها و گسترش تفکر عقلانی می‌تواند باعث صدور فعل حکیمانه و غایتمند در انسان شود و سبب تشبه به حق. علت تأکید برجستگان حکمت در دینی اسلام بر خواندن علوم معقول بی‌جهت نیست. متأسفانه سیر دانشگاه‌ها به‌سمت علوم تجربی و مهندسی است و آنچه بنیان ذهن دانش‌آموز و دانشجو را تشکیل می‌دهد عقلانیت نیست، لذا انتظار صدور فعل حکیمانه از این افراد درک حکمت بلایا انتظار به‌جایی نیست. خواندن

علوم معقول مقدم بر همه علوم دیگر است. ۳/ تکیه بر تقوا و عبادت، یک راهبرد اساسی است که در قرآن کریم بیان شده است و هر دو کارکرد معرفت‌شناسانه دارند. در جامعه عموما تصور می‌شود تقوا و عبادت یک امر دست‌وپاگیر، تشریفاتی، شخصی و مستلزم ریاضت است اما اولاً باید این کارکرد معرفت‌شناسانه تقوا و معرفت در نهاد آموزشی جای گیر بشود و به‌عنوان یکی از منابع معرفت معرفی شود ثانیاً باید دانست که هرکس به اندازه‌ای که سهم از تقوا و عبادت دارد، بهره از معرفت وحکمت خواهد داشت. رقابت در تقوا و عبادت می‌تواند عامل رشد فردی و جمعی تلقی شود و اهالی علم بلکه عموم جامعه را از رقابت بر سر انحصار اطلاعات و دانستن‌های زیاد که معمولاً منجر به‌عمل فضیلت‌مندانه نمی‌شود بازدارد. به‌رسمت شناختن تقوا و عبادت به‌عنوان منبع معرفت، در یک جامعه اسلامی می‌تواند سبب تمایز جامعه اسلامی از غیراسلامی، دانشگاه اسلامی از غیراسلامی و علوم اسلامی از غیراسلامی باشد.

بحث ۲

آیا بلایا باعث بی ارزشی زندگی می‌شود یا نه؟

در دنیای جدید و نسل جدید معمولا در باب نسبت بلایا و معنای زندگی، سوال از ارزش زندگی است. به نظر می‌رسد افراد در این مساله سه گونه‌اند:

گونه اول: کسانی‌اند که هدفی مغایر با هدف دینی – هستی‌شناسانه دارند. در هدف دینی- هستی‌شناسانه خداوند و صفات و رابطه با او هدف حقیقی شمرده می‌شود اما بعضی افراد در پی اهداف شخصی و خودساخته‌اند. به تعبیری که در مباحث معنای زندگی به کار می‌رود هدف را یک امر جمعی می‌دانند که باید خود برای زندگی خود وضع کنند نه یک امر شخصی که وجود دارد و باید آن درک و دنبال کرد.

گونه دوم: کسانی‌اند که اعتقاد به غایت‌مندی حیات ندارند و حیات را بدون هدف و کور می‌دانند لذا ارزشی نیز برای زندگی قائل نیستند. بعضی فلاسفه و متفکران غرب مثل سارتر و کامو و نیگل که به بی‌معنایی

زندگی باور دارند در این دسته‌اند. گونه سوم: کسانی‌اند که هدف دارند چه خودبنیاد و چه خارجی، چه شخصی و چه دینی-هستی‌شناسانه اما به واسطه فراوانی شرور و بلایا در زندگی اجتماعی یا فردی و عدم درک ماهیت آنها و نسبت‌شان با هدف زندگی، به‌ورطه بی ارزش دانستن زندگی افتاده‌اند. کسانی که نسبت به وقایع، بدبینند و مرتب شکایت می‌کنند و می‌گویند این چه زندگی است، این چه وضعی است، در این دسته‌اند.

با گونه دوم، فعلا کاری نخواهیم داشت چون پاسخ مابعدالطبیعی می‌طلبد و هرچند به تعبیر علامه جعفری، این‌گونه افراد زمینه‌های روانشناختی اجتماعی دارند که به این نوع بی‌معنایی زندگی رسیده‌اند اما در جامعه بسیار کم اتفاق می‌افتد که این‌گونه فردی داشته باشیم لذا از کنار آنها خواهیم گذشت.

گونه اول درحقیقت در تعارض میان هدف خودبنیاد و هدف خارجی قرار گرفته‌اند یا پاسخ آن، اراجاع به راهبردهایی است که در بحث یک گذشت. می‌ماند گونه سوم که محل بحث ماست. در پاسخ به این‌گونه افراد، رسم این است که با طرح مساله شروع پاسخ مابعدالطبیعی داده می‌شود. دو پاسخ کلی به مساله سه‌راهه شده‌است:
۱/یکی خیرانگاری که کل حوادث را خیر می‌دانند و شر را توهم می‌پندارد
دیگر، شرانگاری نسبی که وجود شر را می‌پذیرد لکن شر را نسبی دانسته و در نسبت با خیر کثیر و نظام احسن، به‌شر قلیل بمعنای اولی‌الذکر در کنار عقل قابل درک دارد.
۲/ این‌گونه پاسخ‌دهی، اگرچه صحیح است اما کافی نیست به این دلایل:

اولاً؛ ناظر به نوع انسانیت است و نمی‌تواند برای بالاییی که ناظر به فرد است قانع‌کننده باشد. فرد می‌پرسد چرا این شر باید شامل من فردی شود و نه شامل دیگران؟

ثانیاً؛ ناظر به کلیت عالم است، نه به‌جغرافیای گروه خاصی. سوال این است که برخی شرور و بلایا در دنیای اسلام یا در کشور ایران رخ می‌دهد و در ایران؟ و کشورهای دیگر وجود ندارد، این‌گونه شرور را چگونه باید تحلیل کرد؟

ثالثاً؛ ناظر به حوزه معرفت است و به فرض که عقل انسان را قانع کند آیا می‌تواند دل انسان را نیز قانع کند؟
اکتفا به پاسخ مابعدالطبیعی به منزله نادیده گرفتن ساخت‌انگیزش و هیجان، عواطف و احساسات، روابط بینافردی و وضعیت‌های مرزی است.

یکم

امروزه در محافل روشنفکری و نیز مباحث روانشناسی و روان‌درمانی، از رویکرد رواقیون در باب شرور وبلایا استفاده زیادی می‌شود. رواقیون قائل به تسلط بر خویش‌تند و می‌گویند امور عالم دو دسته است:
۱/ اگر توسط من قابل کنترل نیست، بدان نخواهم‌اندیشید و رهایش خواهم کرد و اگر قابل کنترل باشد، بدان خواهم‌اندیشید و همت خود را مصروف آن خواهم کرد.
امور قابل کنترل، اموری‌اند که در درون ماست لذا ما باید به جای تغییر بیرون، در پی تغییر درون باشیم و نگرش خود نسبت به شرور و بلایا را عوض کنیم.
به نظر می‌رسد تسلط بر خویش‌تن که شامل تسلط بر افکار و عواطف و رفتارها می‌شود، جهت مقابله با بلایا و کاستن از عوارض منفی آنها بر روح و روان انسان، رویکرد خوبی است و می‌تواند برای افرادی که دچار بی ارزشی زندگی شده‌اند، مفید باشد اما در متون دینی اسلام به دو رویکرد دیگر اشاره شده که تقویت آن دو نیز ضروری است و هر سه رویکرد با هم می‌تواند پاسخ مکنی به بی‌ارزشی زندگی سرشار از بلایا بدهد.

آگهی انتقال شرکت دوستان مشعل تابان با مسئولیت محدود شناسه ملی ۱۰۸۶۱۹۹۵۰۵۷ به موجب نامه شماره ۱۰۱۷۹۵/۶۷۷۷ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۲۰ اداره ثبت شرکت‌ها شهرستان شیراز و مستند به صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخه ۹۵۱/۲۰/۹۵ مرکز اصلی شرکت دوستان مشعل تابان با مسئولیت محدود شناسه ملی ۱۰۸۶۱۹۹۵۰۵۷ به نشانی تهران آیت‌الله سعیدی شهر چهارانگه- خیابان شهید رضایی- روبروی پارک پلاک ۱۹۷ کد پستی۱۳۹۷۹۶۶۶ انتقال یافت و در اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تحت شماره ۴۹۵۷۲۶ به ثبت رسیده است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۰۰۰۷۵۴)

آگهی تغییرات شرکت پویانیکان پرشیا (در حال تصفیه) سهمای خاص به شماره ثبت ۲۶۴۶۹۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۹۹۹۱۷ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۰۵ تصمیات ذیل اتخاذ شد: محل تصفیه به: تهران

شهرستان تهران- بخش مرکزی- شهر تهران- بزرگراه همت- خیابان شهید شهید باقری و بلوار شهید مظفر- پلاک ۵۰- ساختمان پروژه تهران پارک (هزارویک شهر) طبقه همکف کد پستی ۱۴۹۸۹۱۵۷۱ منتقل گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۰۰۰۷۵۶)

یکشنبه ۶ مهر ۱۳۹۹ شماره ۲۱۴۵



www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir